|  |
| --- |
|  **تاثیر هویت فرهنگی در معماری ملی در راستای جهانی شدن** نویسنده مقاله: الهام پرویزیاستادیار گروه معماری دانشکده هنر دانشگاه خوارزمی تهرانتلفن:09125153560تلفن ثابت: 02186072790آدرس: خیابان مفتح -خیابان خاقانی دانشگاه خوارزمی دانشکده هنر و معماری |
| **The impact of cultural identity on national architecture in line with globalization**Autore: Elham parviziAssistant Professor of Architecture, School of Art, Kharazmi University |
|  |
| \*Corresponding Author: E-mail : Parvizi.e@gmail .com  |
| **چکیده** |  |

معماري به عنوان بستر اتفاق زندگي بشر یکی از تأثير‌گذارترين هنرها در جهت نمايان نمودن فرهنگ عامه و الگوهاي ساختاري آن در هر دوره است؛ و اين باعث انعکاس کليتي قابل بررسي و قضاوت از فرهنگ، تفکر و ناخودآگاه ملي در معماري مي‌شود. این قضاوت از طرف استفاده‌کنندگان محیط و نیز سایر ادوار تاریخی و فرهنگی نیز واقع می‌گردد. از طرفی هنگامی که جامعه همواره فضایی آشنا را تجربه نماید، زمینه ساز خودباوری ملی و شکوفایی بیشتر افراد خواهد شد.

اين نوشتار در جستجوي فراهم‌سازي زمينه حرکت به سمت معماري ملي و تعيين زير ساختهاي لازم جهت رسيدن به آن است. در اين راستا پس از بررسي هويت فرهنگي و تأثير معماري در آن و پدیده جهاني شدن به عنوان عاملی مؤثر در جهت‌دهی فرهنگی، به بررسي چند نمونه‌ بناهاي تاريخي و مقايسه آن با دو بنای معاصر پرداخته‌است. تا در نهايت به ارائه رويکرد جديدي جهت احياي معماري ملي منتج ‍شود. نوع تحقيق توصيفي و ابزار گردآوري اطلاعات کتابخانه‌اي است؛ تا دستيابي به زمينه سياست شکل‌گيري معماري ملي امکانپذير گردد. پرسش مطرح شده اين است که بناهاي پرافتخار اين خاک و بوم بر چه شالوده‌اي اين‌گونه استوار پرداخته شده‌اند که گذشت زمان آن را پخته‌ و استوار مي‌سازد و مهمتر اينکه چرا پس از بررسي‌هاي فرهنگي دوران معاصر به آن خميرمايه مهم دست نيافته‌ايم.

فرض جستار بر آن است که کالبد بناها در هر دوره دست‌مايه روح فرهنگي زمان است. بنابراين اگر معماری معاصر ایران نتوانسته بر هويتی آشنا محیط گردد. فرهگ ساری در اجتماع باید بازشناسی و زیرساختهای لازم جهت ساخت کالبدی با روح ایرانی فراهم گردد.

**واژه­هاي کليدي**

هويت فرهنگي، معماري، هويت ملي، جهاني شدن

**Abstract:**

Architecture is an effective art to bringing in to view the public's culture in historical times Society in that people experience the cultural space can development in it's national identity.

In this century national identity is very important for protect the nation’s frontiers. Architecture as a sign of a nation’s identity is effective. It indicates the people’s life style of each society.

Environment and culture have countermeasure impression each other. One of important side of nation identity is culture identity. That architecture as an effective factor in culture is momentous.

National architecture is risen from national culture. In other side Iranian’s as a culture that is interrupted has been examined in this article.

This essay researches context moving to international architecture and it’s role in admeasurements Iranian identity. In this way after perusing culture identity and Iranian culture’s role is to being **globalization** and architectural effect in society culture and needs to creating international architecture at the end present a viewpoint for vital international architecture the way of search is analysis the purpose.

In the other wise the question is why in the period that culture didn’t research we have Iranian culture but now we don’t have familiar space.

Key words:

culture identity، Architecture، national identity،

**مقدمه**

گسست تاريخي روزگار معاصر از سير تکامل دستاوردهاي پيشکسوتان معماري، موجب توليد فضايي ناخوانا در شهرهاي معاصر گرديده‌است. اين ناخوانايي تا جايي پيش رفته که نمي توانيم رابطه‌اي منطقي با معماري گذشته برقرار نماييم، گويي شاهکارهاي معماري ايراني در جاي ديگري ساخته شده و يا بوسيله افرادي غير ايراني برپا گرديده، که تا اين حد با معماري معاصر ما متضاد و بيگانه مي‌نمايد. از سويي ديگر گويي زبان طراحي اين بناها براي ما غير قابل درک است که معماري معاصر ما تا اين درجه از شکوه و سازماندهي ميراث‌هاي جاودان پدرانمان بي‌بهره مانده است. پس از گذشت روزگار استيلاي فرهنگ مدرن و رخوت هنرمندان ايراني، فضايي جديد در عرصه هنري ترسيم شده است، که هنرمندان و در جهت باززنده‌سازي هويت اسلامي-ملی خويش مي‌کوشند تا به کمک آن روزگار شکوه و عظمت خويش را از نو برپا سازند.(مهدوي‌نژاد،1383:59).

هويت ملي در عصر حاضر به مسأله‌اي حياتي براي ملتها تبديل شده‌است. مرزهاي سياسي به تنهايي نمي‌تواند ضامن حيات يک ملت باشد. در پي آن در عصر ارتباطات جهت حفظ هويت ملي عوامل مختلفي دخيل است که سويه فرهنگي يکي از مهمترين آنها است در اين ميان معماري جلوه‌گاه فرهنگي يک ملت است که با تمامي ابعاد زندگي آدمي درآميخته، بر آن تأثير عميق مي‌گذارد.

عدم تبلور شيوه زندگي در توليد فرهنگ موجب عدم ارتباط فرهنگي هنرمند و مخاطب خواهد شد. هنرمنداني که ديگر ايده خود را از بطن جامعه دريافت نمي کنند بلکه آن را به جامعه تحميل مي کنند. عدم آشنايي طراح و مخاطب از فرهنگي که مد نظر آنهاست باعث عدم خوانايي اثر مي شود در نهايت زندگي افراد از فرهنگ مورد نظر جدا شده، طراحان جلوتر از جامعه، با فرهنگهاي مختلف آشنا مي شوند و حتي توليد فرهنگ مي‌کنند؛ و بدون وجود بستر لازم آن را به جامعه تحميل مي‌کنند. از سويي ناديده گرفتن شاخص‌هاي هويت‌ساز در اجتماع کنوني که در رويارويي با جهاني‌شدن قرار گرفته‌ است باعث مغلوب گشتن آن مي‌شود و پس از مدتي ديگر اثر آن زير غبار تاريخ به فراموشي سپرده شده و قابل شناسايي نخواهد بود. از اين روست که ملتها در پي زنده کردن هويت‌هاي خود مي‌باشند. ترس از شناسايي نشدن و از دست دادن هويت و حل شدن در هويتهاي برتر در پي جهاني شدن فرهنگها مشکلاتي است که آنها را تهديد مي کند.

آنچه واضح است معماران گذشته که هم اکنون بناهای آنها را ساختمانهایی با هویت می‌دانیم، هرگز ابتدا هويت جامعه خود را جستجو نکرده‌اند. تا بر اساس آن و براي آن معماري کنند. آنها با هويت خويش زندگي مي‌کردند و لاجرم در اثر آنها جاري و جاودانه است. بنابراين گمشده ما جاي ديگريست تا به يک معماري ملي و با هويت فرهنگي دست يابيم. آيا مي‌توان با هويت ايراني زندگي کرد؟ آيا هويت ايراني در عصر ارتباطات در جريان گفتگويي سازنده مي‌تواند وارد عرصه گردد و خود را حفظ نمايد؟

در گفتار حاضر پس از تعريف و بررسي عوامل تأثير‌گذار در هويت فرهنگي و لزوم معماري ملي علت عدم موفقيت در تحقق آن از ديدگاه هويت فرهنگي با مقايسه بناهاي تاريخي و معاصر بررسي گرديده است. آنچه در اين گفتار مورد نظر است لزوم معماري ملي و بررسي تأثير هويت فرهنگي در ايجاد معماري ملي و اينکه چرا پس از تلاشهايي که در جهت احياي فرهنگ ايراني در معماري انجام شده و گذشت زمان بر آن اين مشکل همچنان باقي است و سر رشته گمشده معماری به دست ما نرسيده است.

**لزوم ايجاد معماري ملي از دیدگاه هویت ملی**

هویت در فلسفه غرب، رابطه‌اي است بين چيزها يا مفاهيمي که از جنبه‌هاي ويژه‌اي يکسان‌اند، يا مي‌توان آنها را يکي دانست. در فرهنگ اسلامي هويت، شايسته عنوان موجودي است که وجود او ناشي از ذات خود باشد و آن وجودي است که به واجب‌الوجود موسوم است و وجودش مستلزم قدم و بقاء است، در حاليکه بيشتر ناظر بر فرآيند احراز تشخيص و اين‌هماني است و در کل هويت اشاره به ذات دارد.(‌قرايي،1385:54(

جامعه‌شناسان مؤلفه‌هاي هويت‌ساز را در سه عامل مکان، زمان و فرهنگ خلاصه مي‌کند. آنها در بيان اهميت هويت‌سازي مکان، دليل اصلي بحران هويت را در جوامع سنتي به مکان نسبت مي‌دهند. جامعه شناسان برآنند که ارتباط بين مکانهاي زندگي افراد و هويت آنها تنگاتنگ و در هم تنيده است؛ اما امروزه با شتاب گرفتن روند گسست فضا و مکان، اين ارتباط و بالتبع توانايي هويت‌سازي مکان از بين رفته است. زمان هم از مؤلفه‌هاي اصلي هويت‌ساز است. از منظر نظريه‌پردازان جامعه‌شناس، هويت بر تداوم (ثبات شخصيت در طول زمان) استوار است و تداوم بر زمان؛ پس هويت‌ها نيازمند تداوم هستند و چنين تداومي حس نمي‌شود، مگر اينکه گذشته‌اي معنادار وجود داشته باشد که از نظر فردي خاطره‌، و از نظر اجتماعي تاريخ است. فرهنگ نيز مقوله‌اي تفاوت مدار است که شيوه زندگي خاص و در پي آن هويتي خاص را بوجود مي‌آورد. فرهنگ در جوامع سنتي از پايدارترين منابع هويت‌ساز به شمار مي‌رفته است‌؛ چراکه در چنين جوامعي فرهنگ انحصاري، ثابت، منسجم و عنصري تأثيرگذار بر نوع زندگي افراد بود؛ اما امروزه اين فضاي انحصاري به دليل فن‌آوريهاي ارتباطي کمرنگ شده، و توانايي هويت‌سازي آن کاهش يافته است.(حسيني،1383)

در دنياي مدرن معماري ديگر با مکان، زمان و فرهنگ جامعه ارتباط ندارد، و بيشتر بازخورد تفکر فلسفي و روشنفکري عده‌اي خاص و جدا از جامعه مي‌باشد. لوکوربوزيه[[1]](#footnote-1) به عنوان يکي از اصلي‌ترين پيشکسوتان معماري مدرن مي‌گويد:«تمام انسانها اندامهای مشابه و با عملکرد یکسان دارند. تمام انسانها نیازهای همسان دارند. قراردادهای اجتماعی که طی سالیان به وجود آمده‌اند، استانداردهای طبقات اجتماعی را تثبیت کرده‌اند، عملکرد و نیازها،محصولات استاندارد شده‌ای را تولید می‌کند.. . من یک ساختمان واحد را برای همه ملل و همه آب و هواها پیشنهاد می‌کنم.»(لنگ،11:1383)؛ این اندیشه معماری را از فرهنگ جداکرده است. عدم ارتباط معماري با جغرافيا و فرهنگ انسان را از محيط دور ساخته و علاوه بر از بين بردن آداب و رسوم هماهنگي با محيط را نيز نابود مي سازد اگر معماري‌ در تمام اقليمها يکسان باشد، پايداري در ساخت و ساز را نابود خواهد ساخت امري که در معماري بومي به خوبی به آن پاسخ داده شده است.

**تأثیر هویت فرهنگی بر معماری**

نگاهي اجمالي به تاريخ معماري ايران و ساير تمدنهاي جهان نشان مي‌دهد که هيچ اثر بزرگ معماري وجود ندارد که بر اساس‌ انديشه و جهان‌بيني پديد نيامده باشد. فضاهای معماری، بی شناخت فرهنگ سازنده آن، فهم نمی شود و هر آنچه از این فرهنگ بر می‌خیزد، پس از گذر داده شدن تدبیرها و شگردها، فن ها و ابداع ها، چه در حیطه جوابگویی به کاربردها و چه در تطبیق حجم ها و سطح‌ها مادی می شودند. ماده‌ای که به دست انسان و به دلخواه انسان و برای انسان کارشده است.(فلامکی،139:1371)؛ به اين ترتيب مي‌توان گفت که تا قبل از پیدایش معماری مدرن هر تمدن يا قومي، معماري خاصي را ارائه داده‌است؛ منطبق با فرهنگ آن قوم. به طور مثال بناهايي نظير مسجد امام اصفهان بر اساس انديشه روشن فلسفي پديد آمده‌اند.

تحولات و دگرگوني‌هايي که در معنا و مفهوم معماري رخ داده است، تابعي از سير تحولات فکري تمدن معاصر است که با علم تجربه‌گرا و تفکر راسيوناليست مدرن رايج جنبه معنوي و روحاني حيات انسان و اصولأ وجه معنوي عالم وجود را انکار مي نمايد. در مقوله معماري، مدرنيسم با اشعار پيشرفت و توسعه، چنان خويش را به جامعه بشري تحميل مي‌کند که جوامع و به خصوص جوامع عقب مانده از نظر صنعت که هويت و اعتبار خويش را در همسان شدن ‌ظاهري با غرب جستجو مي‌کنند سعي در تکرار و تقليد الگوهاي معماري بيگانه مي نمايند. الگوهايي که به ناچار شيوه زيست آنها را نيز دگرگون خواهد نمود. معماري مدرن آنچنان در چنبره ماديت گرفتار آمده‌است که آنچه در اوايل قرن بيستم به عنوان حادترين و پرشورترين مسأله در بين معمارها و شهرسازها مطرح مي‌گردد، در ربط دادن شکل و کارکرد و يا در ارجحيت قائل شدن يکي نسبت به ديگري از اين دو خلاصه مي‌شود.( نقي‌زاده،1381:64)؛به اين ترتيب به تدريج نقش عناصر فرهنگي در هويت‌یابي کالبد زندگي کم‌رنگ شده‌است.

**فرهنگ ایران در رويارويي با فرهنگ جهاني**

برجسته‌ترين وجه جهاني شدن فرهنگ را مي‌توان جهانگير شدن ويژگي‌هاي محوري مدرنيته دانست. اين ويژگي‌ها عبارتند از يک رشته نهادها و شيوه‌هاي رفتار که در پي فروپاشي نظام فئودالي[[2]](#footnote-2) در اروپاي غربي شکل گرفت و به تدريج در نقاط ديگري در جهان، از جمله آمريکا، ژاپن و اقيانوسيه نيز راه يافت. در نيمه دوم سده بيستم به دليل پيشرفت‌هاي چشمگير در عرصه ارتباطات، اين فرايند، پرشتاب‌تر و شديدتر نواحي ديگري از دنيا را فراگرفت. از اين انديشه‌ها‌، نهادها و شيوه‌هاي رفتار مبتني بر مدرنيته غربي، مي‌توان به صنعت‌گرايي، سرمايه‌گرايي، نهادهاي نظارت و مراقبت(گيدنز، 1383: 61) دموکراسي[[3]](#footnote-3)، فردگرايي، شهروندي، ملي‌گرايي، عقلانيت ابزاري، الگوهاي پوشش، تغذيه، معماري و زندگي شهري، ارزش‌ها و رهيافت‌هاي فرهنگي درباره آزادي فردي، روابط جنسي، حقوق بشر و سکولاريسم[[4]](#footnote-4) اشاره کرد(تامينسون،138: 123)

فلات ايران در ميانه و کانون جهان جاي گرفته بود و شرق و غرب جهان از راه ايران به هم مي‌رسيدند. ايرانيان اين موقعيت استراتژيکي[[5]](#footnote-5) دوران قديم را بسيار خوب و درست تشخيص داده بودند و از ديرباز مي‌کوشيدند تا با احداث راهها و جاده‌هاي ارتباطي بيشترين سود مادي و معنوي را از اين موقعيت ممتاز ارتباطي و جغرافيايي ببرند. نخستين راه ارتباطي جهاني را هخامنشيان ساختند که همان جاده شاهنشاهي است که شريان ارتباطي امپراطوري هخامنشي به شمار مي‌آمد(ثلاثي،1379: 29) فرهنگ ايراني از طريق همين جاده با فرهنگهاي بزرگ دوران گذشته، يعني هند و چين و رم و آسياي صغير پيوسته در تماس و تعامل بود و از جهت فرهنگي هم آنها را تغذيه مي کرد و هم خود تغذيه مي‌شد. تا زماني که اين جاده پابرجا و پر رونق بود فرهنگ ايراني نيز پويا، خلاق، شکوفا و بالنده بود. با روي کار آمدن حکومت کمونيسيتي در آغاز سده بيستم و کشيده شدن ديواري آهنين دورادور اتحاد جماهير شوروي، راه ارتباطي ديگر ايران با اروپاي غربي نيز بسته شد. در اين ميان، تنها راه دريايي خليج فارس و درياي عمان به روي فرهنگ ايراني باز مانده بود که نمي توانست براي ما چندان راهگشا و چاره ساز باشد.، زيرا ايران در اين دوره ديگر يک قدرت دريايي به شمار نمي‌رفت و امکان دريايي در سطح گسترده را نداشت و نمي توانست از اين راهگذارهاي ارتباط دريايي کمترين بهره‌اي ببرد.( همان: 30و33)

در نتيجه، فرهنگ ايراني چندي است که به جاي واکنشهاي سازنده و سودبخش در برابر فرهنگ جهاني، واکنشهاي نوستالژيک و اسکيزوفرنيک را برگزيده که جامه‌اي برازنده براي قامت بلند فرهنگ ايراني نيست، فرهنگي که به جز در سده هاي کنوني، هيچگاه از هيچ فرهنگ برتر و پيشرفته‌اي هراسان و گريزان نبود و پيوسته آغوشش به روي عناصر سازنده اين فرهنگها باز بود.

**روش تحقيق :**

روش تحقيق در اين نوشتار از نوع توصيفي، ابزار گردآوري اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌اي و شيوه آزمون و تجزيه و تحليل فرضيه از نوع کيفي است. با توجه به این فرضيه که تفکر فرهنگی، در شکل‌گیری معماری جامعه تأثیر دارد. جدولي تنظيم شده تا عناصر فرهنگي در هر دوره با معماري آن مقايسه گردد. جهت لحاظ نمودن عوامل دیگر نیز، جدولی بر اساس تقسیم‌بندی معماری ایران ارائه گردیده‌است.

نمونه‌هاي انتخابي جهت بررسي، از آثار ثبت شده در ميراث ايران در يونسکو مي‌باشد و از آنجايي که فرهنگ ايران داراي جنبه‌هاي ملي-مذهبي است . دو نمونه انتخابی مربوط به قبل از اسلام و دو نمونه نیز بناهای بعد از اسلام را شامل می‌باشد. بناهاي منتخب بيشتر جنبه حکومتي دارد بنابر اين جهت بررسي معماري معاصر نيز نمونه‌هاي دولتی-ملی انتخاب شده‌اند. تا در انتها با استفاده از نتايج بدست آمده فرضيه مذکور ارزيابي گردد.

در مجموع متغیهایی که به عنوان شاخصهای شناسایی هویت فرهنگ جامعه می‌توان از آنها یاد نمود به شرح زیرند: آداب و رسوم، سنتها، اخلاق و رفتار، اساطیر، فلکلور، ضرب‌المثل‌ها و هنر و معماری(خدایار،31:1387)،سیاسی و حکومتی، مذهب که در نمونه‌ها اهم موارد در هر دوره بررسی گردیده‌اند.

**بررسی نمونه‌های موردی:**

**نمونه اول(مجموعه تخت جمشيد):** شروع ساخت اين مجموعه در قرن ششم قبل از میلاد توسط داريوش اول از پادشاهان هخامنشي بوده‌است. اين بناها شامل کاخهای شاهی ‌است، که در مرودشت در نزديکي شيراز واقع شده و از يک طرف به کوه رحمت و از طرف ديگر به مرودشت محدود مي‌باشد. تأسيساتي که به طور منظم در دل کوه کنده شده نشان مي‌دهد که اين مجموعه از قبل طراحي شده‌بوند. از آنجايي که مکان قرارگيري آن در فضايي باز و پايين دشت است نمي‌تواند پايتخت بوده‌باشد. بنابراین کارکرد این مکان بیشتر به عنوان فضایی مقدس، جهت برگزاری جشنها و مراسم مذهبی بود. (پوپ30:1363)

**شاخصه‌هاي فرهنگی دوره هخامنشیان**

 **سياسي-حکومتي:** پايه‌گذاري قدرت پارسيان بر اصول مذهبي و ملي- ودیعه بودن سلطنت از طرف اهورامزدا - وجود استعداد برنامه‌ريزي در مقياس وسيع و مديريت عملي- علايق انساني ناشي از ايمان شريف که الهام بخش بردباري نژاد، ديني و فرهنگي بود . (پوپ،1363:22)؛ وجود امنيت نزديک به دويست سال در حوزه حکومتي -خوش رفتاري کوروش با مردمان سرزمين‌هاي فتح شده که نمونه بارز آن منشور حقوق بشر وي است.(منشور کوروش هخامنشي، 1380)؛ تمجيد از کوروش در تورات(مجتهدزاده،170:1386)؛ احداث راههاي ارتباطي- سازمانهاي دقيق کسب اطلاعات- ادارات منظم- ضرب سکه – ارتش نيرومند و قوانين پيشرفته(صفا:25:1376)؛ پديد آوردن نظام اداري کشور به مفهوم مدرن آن (مجتهد زاده:125،1386)؛حفر کانال بين درياي سرخ و رود نيل به دست داريوش(مجتهدزاده:171،1386) .

 **ادبيات:** اطلاعات ناچيز و مختصري كه از فرهنگ و ادب دوران هخامنشي باقي مانده مبين اين است كه در دوران تمدن هخامنشي كشور پهناور ايران مركز دانش و فرهنگ و هنر جهان آن روز بوده است. در اين دوران، در شهرهاي بزرگ ايران كتابخانه‌ها و دانشگاههایی وجود داشته که جوانان را به فرا گرفتن دانشهاي سودمند راهبري و راهنمايي مي‌كرده‌اند. (هماهيونفرخ،12:1345)[[6]](#endnote-1)

 **هنر:** هنر هخامنشی در واقع يک هنر دولتي (‌پوپ،45:1363) و تركيبي بوده از هنر اقوام گوناگوني كه تابع پارسيان بوده‌اند. - آنان علاوه بر ادامه دادن رشته هنر بین‌النهرین ابداعاتی به آن افزودند. (پيرنيا، 80:1386)؛ - هخامنشيان با بهره‌گيري مناسب از هنرهاي گوناگون و ريختن كليه جلوه‌هاي هنري اقوام و ملل مختلف در يك قالب به هنر خود اعتلاء بخشيده‌اند. - هنر دوره هخامنشي از طريق سکاها به نقاط مختلف از جمله يونان برده و از آنجا نيز به ايران منتقل مي‌شده. - بزرگداشت شاهان، اجراي مناسك و آيين زرتشتي از مظاهر اصلي هنر در اين دوره است كه سبب ايجاد نوعي سمبوليسم هنري بوده‌است. (عیسی،63:1346)؛ - هنرمندان آریایی اعتقاد داشتند تقلید درست بهتر از نوآوری بد است. آریاییها در سرزمینی آباد و خرم زندگی کرده بودند و خویی آشتی‌جو و سازگار داشتند. بنابر این الگوبرداری را اگر بر اساس منطق بود و با شرایط زندگیشان سازگار بود مجاز می‌دانستند- از طرفی تقلید از طبیعت را ناپسند می‌دانستند، بلکه به صورت انتزاعی از طبیعت برداشت می‌کردند.(پیرنیا:57،1363)؛

آثار برجا مانده نقش برجسته‌هاي تخت جمشيد نيز در زمره گنجينه هنر دوره هخامنشي به شمار مي‌روند كه هر يك مجموعه اي از تصاوير و نقوش دوران هخامنشي را به نمايش مي‌گذارند و علاوه بر آن گوياي بسياري از آداب و رسوم رايج در دربار هخامنشي‌اند. از جلوه‌هاي هنري اين دوره رواج هنر كنده‌كاري، حجاري، پيكر تراشي، فلزكاري، كاشي سازي و قالي بافي و ... است . (عیسی،63:1346)

 **لباس:** لباس هخامنشی کاملاً پوشیده‌است و به حجاب اعتقاد داشتند. به طوری که هیچ نقش برهنه مرد و حتی یک زن در نقش برجسته‌های آن دوره وجود ندارد.(پیرنیا،73:1363)؛ - لباس دروه هخامنشيان شباهت زيادي به لباس دوران مادي و آشوري دارد. بطور كلي لباس پارسيان عبارت بود از يك بالا پوش شبيه شنل يك دامن پرچين كه بالا پوش و دامن در محل كمر داراي يك كمربند چرمي بوده است البته نقش برجسته‌ها نشان از اين دارد که لباس دوران هخامنشي گشادتر و پرچينتر بوده‌است.

**معماري تخت جمشید:**

* معماري هخامنشيان مبتني بر تکرار فرمهاي مربعي شکل است که سابقه‌اي کهن در ایران دارد.(پيرنيا، 80:1386)؛
* مسيرها، پرسپکتيوها و تخيلات انسانی بنا همه نشان از طراحی آزاد اين بناها هستند.(پيرنيا، 80:1386)؛
* ساخت بنا توسط هنرمندان مختلف گستره فرمانروایی پارسها .(پيرنيا، 59:1386)؛
* مجسمه‌هاي رديفي در تخت جمشيد سادگي، ملايمت، خودداري و آرامش متناسب با بنايي بزرگ و زنده را به نمايش مي‌گذارد و نشاني از خشونت و کشمکش مجسمه‌هاي آشوري نيست.(پوپ،35:1363)؛
* ديواره‌هاي مصور، داراييهاي گرانبها\_ چارپايان، اسبهاي زيبا، جامهاي مجلل مفرغي و طلايي و... نمايش جانداري از رونق و ثروت جامعه است.(پوپ،38:1363)؛
* هر ساختمان داراي فضاهاي خدماتي و راهروی مستقل از قسمتهای دیگر است که نشان از درونگرایی بنا دارد. (پيرنيا، 73:1386)؛
* جنس ديوارهاي تخت جمشيد از خشت خام بوده که از روکش فلزی با رنگهای مختلف استفاده شده بود. تيرهاي سقف را با ورقه هاي ضخيم، فلزات قيمتي پوشانده بودند.( پوپ،45:1363)؛
* در تيرريزي سقف براي اينکه تيرچه‌ها در دو دهانه کنار هم سنگيني بار را بر روي يک تير بار بر نگذارند، راستاي چيدن آنها را تغيير مي‌دادند. ( پوپ،45:1363)؛(شکل7-1-1)
* تخت جمشيد داراي سيستم حرارتي و تهويه بوده ، که فضاهاي داخل آن را در زمستان گرم و در تابستان خنک و معتدل مي‌کرده است .

سقفهاي بسيار بلند و فضاهاي وسيع ، درهاي گشاده و پنجره‌هاي متعدد هواي تخت جمشيد را در تابستان معتدل وخنک مي‌ساخته و در

زمستان ديوارهاي خشتي و لايه هاي گچ که يک عايق حرارتي تشکيل مي‌داده اند(پیرنیا،60:1363) ، و نیز پوشش سقف که چوبی بوده در گرم شدن محيط تأثير به‌سزايي داشته است .

* ساخت تالار ستوندار هخامنشی بر اساس معماری ارارتویی صورت گرفته بود. آریایی ها در گذر از دریاچه ارومیه از این معماری الگوبرداری کردند. نیایشگاه ارارتوییان دارای تالاری با آسمانه تخت چوبی بود و چون دهانه آن بزرگ بود،ستونهایی چوبی در میان تالار هم زده می‌شد. (پیرنیا،58:1363)
* در معماری تخت جمشید دهانه میان دو ستون به 50/6 متر می‌رسید که این بزرگترین دهانه چوب پوش در جهان آنروز بود و ارتفاع ستونهای تخت جمشید نیز که گاه به 14 متر می‌رسید در دنیای آنروز نظیر نداشت.(پیرنیا،58:1363)
* در ادامه باغهای بین‌النهرین چهار باغ برای اولین بار در این مکان توسط پارسیان ابداع شد. (پيرنيا، 72:1386).

جدول1-مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره هخامنشیان و معماری تخت جمشید.

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| تأسیس قدرت پارسيان بر اصول مذهبي و ملي؛ | ایجاد مرکز نیایشی و مذهبی که حتی از کاخهای سیاسی هخامنشیان در شوش نیز با‌شکوهتر است؛ |
| ارتش نيرومند و قوانين پيشرفته؛(که نشان از دولت پیشرفته‌تر دارد.) | ایجاد معماری عظیم و باشکوه چنانکه ارتفاع ستونها و دهانه‌ها بی‌نظیر بوده است؛ |
| وجود استعداد برنامه‌ريزي در مقياس وسيع و مديريت عملي؛ | تأسيساتي که به طور منظم در دل کوه کنده شده نشان مي‌دهد که اين بنا از قبل طراحي شده‌بود.(معماری دارای طرح قبلی بوده)؛ |
| وجود امنيت نزديک به دويست سال؛ | مجسمه‌هاي رديفي در تخت جمشيد سادگي، ملايمت، خودداري و آرامش را به نمايش مي‌گذارد و نشاني از خشونت و کشمکش مجسمه‌هاي آشوري نيست؛ |
| احداث راههاي ارتباطي و حفر کانال بين درياي سرخ و رود نيل به دست داريوش؛ | هنر و معماری هخامنشی فرهنگ ایرانی را در ترکیب عناصر هنری اقوام مختلف به نمایش می‌گذارد؛ |
| ادارات منظم- ضرب سکه ؛ | ديواره‌هاي مصور تخت جمشید خبر از ثروت فراوان و قدرت حکومت می‌دهد؛ |
| تأثیر چین در برخی هنرها؛ | استفاده از چوب در سقف بنا در حالی که در ایران به علل آب و هوایی و کمبود آن استفاده از چوب معمول نبوده است.(مختاری،1368)؛ |
| لباس هخامنشی کاملاً پوشیده‌است و به حجاب اعتقاد دارند؛ | هر ساختمان داراي فضاهاي خدماتي و راهرو است و مستقل از قسمتهای دیگر است؛ |
| آریاییها در سرزمینی آباد و خرم زندگی کرده بودند و خویی آشتی‌جو و سازگار داشتند. زندگی پارسیان هماهنگی کامل با طبیعت داشته است؛ | تخت جمشيد داراي سيستم حرارتي و تهويه بوده ، که فضاهاي داخل آن را در زمستان گرم ودر تابستان خنک و معتدل مي کرده است ؛ |
| ادامه دادن رشته هنر بین‌النهرین و افزودن ابداعاتی به آن؛ | ابداع چهارباغ؛ |
| توجه به مذهب و الهامات آسمانی؛ | قرار گرفتن معماری روی سکو و جدا شدن آن از زمین؛ |
| پارسیان تقلید درست و هماهنگ با زندگی را می‌پذیرفتند. | ساخت تالار ستوندار هخامنشی بر اساس معماری ارارتویی صورت گرفته بود. |

**نمونه دوم (تخت سليمان)**اين مجموعه در شمال شهر تکاب و جنوب شرقي درياچه اروميه در آذربايجان غربي قرار گرفته‌است. ايرانيان اين مکان را زادگاه زرتشت مي‌دانستند. و مقدسترين زيارتگاه ساساني بوده‌است. اين محل که پيشتر به شيزياگنزک معروف بود، امروز تخت سليمان ناميده مي‌شود (پوپ،74:1363)؛ مجموعه تخت سليمان بر روي صفه و تخته سنگ طبيعي به ارتفاع بيست متر از سطح دشت که عموماً از لايه هاي رسوبي درياچه تشکيل شده است، قرار دارد. آثار اين مجموعه تماماً داخل حصار و ديوار بيضي شکل آن که دور تا دور صفه گسترده شده، بنا شده است.(شکل 7-1-1)

**شاخصه‌هاي فرهنگی دوره ساسانیان**

 **مشخصه‌هاي حکومتي و سياسي:** رسمي شدن دين زرتشت که به جامعه ايراني دوره ساساني وحدت بخشيد(کيرستن سن:60 ،1378)؛ تکميل و گردآوري اوستا در دوره ساساني با استفاده از متون پراکنده اوستاي دوره اشکاني(کيرستن سن:100 ،1378)؛ پيدايش عنوان سياسي ايرانشهر که مفهوم سرزمين سياسي کشور را در مقياس مفاهيم مدرن جغرافياي سياسي پديد آورد(مجتهدزاده:125،1386)؛ ايجاد ستونهاي مرزي ميان ايران و توران در دوران بهرام گور ساساني که به نوعي کارکردهاي مرز را در دوران مدرن دارا بود(مجتهدزاده:41،1386)؛ استحکام بخشيدن به تشکيلات اداري و حکومتي به دست خسرو انوشيروان که موجب تداوم نظام ديواني آنها تا سالها پس از سقوط ساسانيان در دوره اسلامي توسط خلفاي عباسي و در مرحله بعد دوره صفويه شد(صفا:54،1376)؛ وجود علمايي در جامعه که منحصراً اوقات خود را صرف مطالعات علمي مي‌نموده‌اند(کریستین سن،549:1374)؛ علاوه بر فرهنگ ملي، ساسانيان،تحت تأثير جريانهاي فکري و فرهنگي شرق و غرب نيز بوده‌اند. نفوذ عناصر تفکر هندي از شرق، چه از طريق مبادلات تجاري و چه از طريق برخورد با اقوام مهاجم شرقي و حضور و نفوذ مسيحيت و تفکرات نوافلاطوني و فرهنگ رومي، فرهنگ ايران ساساني را به محل برخورد و تلاقي خود بدل کرده‌بودند.(کنستانتین،:19،1351).

 **ادبيات دوره:** عمده فعاليت معنوي و فرهنگي ايران ساساني که حتي پس از سقوط ساسانيان نيز تداوم يافت و بر ساير ملل و اقوام نيز تأثير گذارد، سنت ادبي تاريخي يا پهلواني ايران است .**-** تاریخ‌نگاری و ترجمه نیز در این دوره آغاز شد**.** (کريستين سن،101:1374) اقتضاي معنوي و فرهنگي دوره ساساني سبب شده که دو کارکرد متناسب با نيازهاي آن دوره در آرايش تاريخي ـ حماسي داستان ها مورد تأکيد قرار گيرد و در هم آميزد . نخست اين که وجهي کاملاًمعنوي ـ مذهبي به کل صورت مدون بخشيده شود ؛ دوم اين که بر ضرورت سياسي ترغيب مردم به حفظ وحراست ايران و تقويت غرور ملي به گونه‌اي که خود آنان مي طلبيده اند ، تکيه شود(مختاری،58:1368).

**دین:**آنان دین خود را سخت جدی می‌گرفتند، اصول زرتشتی را با ویژگی پرستش نیروهای طبیعی احیاءکردند. خورشید نماد نخستین بود و آتش و آب بلافاصله در مقام بعدی محترم شمرده می‌شدند و مورد پرستش و نذر و نیاز بودند.(پوپ،54،1363)

  **هنر:** در اين عصر ارتباطات ايران تا اقيانوس اطلس و اقيانوس کبير گسترش يافت و تأثيرات بسياري بر آن هنرها گذاشت. هنر اين دوره به منزله‌ پلي ميان تمدن و هنر آسيايي با تمدن و هنر قرون وسطايي غرب است. در واقع هنر ساساني ترکيبي است از هنر قديم ايران با جريان هاي مختلفي که از سمت شرق و غرب آن را متأثر نموده بود. کتابسازي-نقاشي مينياتور-خوشنويسي-فرش‌بافي-منسوجات-سفال سازي و ... از جمله هنرهاي اين دوره است.(کريستين سن،246:1374)

**اعياد:**جشن‌هاي ساليانه عهد ساسانيان عموماً داراي صورت دهقاني و روستايي بوده و در اصل به امور کشاورزي بستگي داشته‌است. چون دين رسمي ساسانيان اين اعياد را پذيرفته بود، هنگام اجراي جشن از يک طرف مراسم مذهبي صورت مي‌گرفت و از طرف ديگر تشريفات و اعمال خاصي انجام مي‌شد.(کريستين سن،246:1374)

**معماري تخت سليمان**:

* مقياس بزرگ با شکلهايي نيرومند، ابداعي،عامرانه و داراي رنگهاي مجلل ( پوپ،54:1363) ؛
* بازگشت روح ايراني به هنرهاي خلاق ( پوپ،54:1363) ؛
* اضافه نمودن دستاوردهاي با ارزش به معماری ایرانی؛
* ادامه دادن شکلهاي قديم ايران و آنچه با عظمت هخامنشيان مربوط بود؛
* بیان اصول کهن ایران در مورد وظیفه تخت سلطنت به عنوان واسطه آسمان و زمین و نمایش گنبد آسمان با درشت نمایی. (‌پوپ،74:1363)؛
* بهره‌گيري از آسمانه‌هاي طاقي و گنبدي(طاق آهنگي،طاق و تويزه و نيم گنبد) و نيز چفدهاي مازه‌دار(بیضی) براي طاقها و گنبدها.(پيرنيا،1386 )؛
* پي‌سازي با استفاده از سنگ لاشه و خشت؛
* استفاده از ساختمايه‌هاي بوم‌آورد، که سنگ لاشه، خشت و آجر، وقير از اين قبيل است.(پيرنيا،1386 )؛

جدول2-مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره ساسانیان و معماری تخت سلیمان.

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| رسمي شدن دين زرتشت(پایه گذاری قدرت بر اساس مذهب)؛ | ایجاد مرکز نیایشی و مذهبی در مقیاس باشکوه؛ |
| حضور و نفوذ مسيحيت و تفکرات نوافلاطوني و فرهنگ رومي؛ | معماری این دوره در موزائیک‌کاری و تزئینات از روم بهره‌گرفته و معماری روم نیز شیوه طاق‌زنی و گنبد را از ساسانیان بهره گرفته است.(استیرلن، 1387) |
| سنت ادبي تاريخي يا پهلواني ايران؛ | مقياس بزرگ با شکلهايي نيرومند از شاخصهای معماری دوره است همچنانکه تخت سلطنت به عنوان واسطه ميان آسمان و زمين بيان کرده است و با درشت نمايي گنبد آسمان را نمايش مي‌داد. |
| هنر ساساني ترکيبي است از هنر قديم ايران با جريان هاي مختلفي که از سمت شرق و غرب آن را متاثر نموده بود. | تکوين شکلهاي مهم پارتي ب خصوص در طاق زنی؛تأسیس بنا روی سکو(به تقلید از تخت جمشید،البته در این جا از سکوی طبیعی بهره گرفته است.) |
| مقدس شمردن خورشید، آب و آتش | شاخصه‌های عناصر مقدس ساسانی در تخت سلیمان جمع شده‌اند. ساختمان در مقابل دریاچه‌ای بنا شده و از متون کهن بر‌می‌آید که دریاچه مقدس بوده. گنبد آسمان نیز در گنبدسازی عظیم ساسانی در این بنا مقدس شمرده شده‌است. آتش که نماد اصلی تقدیس بوده هم در این بنا مدتهای زیادی روشن بوده‌است. |
| تأسیس قدرت ملی و مذهبی | پادشاهان ساسانی جهت تاجگذاری به تخت سلیمان می‌آمدند. |

**نمونه سوم (گنبد سلطانيه):**

این بنا در قرن هشتم هجری قمری به فرمان الجایتو از شاهان ایلخانی در سلطانیه ساخته شد که در آن زمان به تمام شهر سلطانیه مشرف بود، این بنا یکی از بزرگترین دستاوردهای معماری ایران محسوب می‌شود.(پوپ،172:1363)؛ مقبره الجايتو هشت ضلعي است با گنبد نيمکره‌اي به ارتفاع 54 متر و قطر 25 متر که با کاشيهاي آبي روشني پوشانده شده و قرنيز پهن مقرنس، که در هر يک از هشت ضلع مناره منقوش آبي درخشاني دارد که گنبد را در برگرفته‌اند.(پيرنيا:224،1386)

**شاخصه‌هاي فرهنگی دوره ایلخانی**

**شاخصه‌های سیاسی و حکومتی:** پذیرش اسلام-علاقه به بازسازی آثار تخریب شده پدرانشان-مهارت بالای نظامی-بلند پروازی و بی‌پروایی در تمام امور .(پوپ،170:1363)؛ - علاقه به زبان پارسی (گرچه شاعران درباری کم شدند.)؛ - از بین رفتن هنرمندان و دانشمندان- انتخاب وزیران ایرانی(صدیق،191:1342)؛ -این دوره گرچه در ابتدا با تخریب همراه بود ولی در ادامه شاهان ایلخانی توانستند تأثیرات به سزایی در بازسازی و رشد هنر ایران به جا می‌گذارند.

 **ادبيات دوره:** شعر و نثر از دربارهای شاهی بیرون رفت و جنبه عمومی یافت این امر باعث شد تا ادبیات از قیود خشک درباری خارج شود و به امور ذوقی مشغول گردد.- از طرفی قیود دشوار ادبی نیز دیگر در ادبیات رعایت نمی شد. - کلمات ترکی مغولی در این دوره به ادبیات این دوره وارد شد. - به علت از بین رفتن نفوذ سیاسی خلفا، بغداد مرکزیت خود را از دست داد و رابطه ایران با ملل اسلامی که غالباً عرب زبان بودند قطع شد و این امر منجر گشت که دیگر تألیفات به زبان عربی صورت نگیرد و نگارش کتب به زبان پارسی معمول شد .- شعر نیز در این دوران به علت وجود سختی‌ها و دشواریها به سمت زهد کشیده شد.

**هنر:** ایجاد مركز علمي و هنري به نام «ربيع رشيدي» در تبريز که باعث تشويق و ترغيب هنرمندان و دانشمندان شد.- وارد شدن عناصر تصويري چيني در آثار هنري ايران که در نقاشيهاي عهد ايلخاني به خوبي آشكار است- ایلخانیان در فعالیتهای هنری ایران نقش مهمی را ایفا نموده‌اند. هلاکو و جانشینانش حامیان بزرگی بودند و از همکاری استادکاران و خبرگان تمام سرزمینهای تحت نفوذ خود در ایجاد و تزئینات بناها استفاده کامل نمودند.(کسائی،279:1363)؛ - مغولان از سرزمینهای شمال و شمال غربی چین و نزدیک مغولستان بودند این امر موجب تأثیرات هنری چین در هنر آن دوره گشت.(پیرنیا،208:1386) - آنچه از هنر کشورهای شرق دور، مانند چین، به ایران وارد شد در مفهوم ایرانی و اسلامی تغییر شکل یافت و بر پایه سنتهاو تجربیات بومی فرم گرفت.(کسائی،279:1363)

**معماري دوره:** خواجه نصیرالدین وزیر هلاکوخان از معماران و هنرمندان سراسر ایران برای ساخت بناها کمک گرفت و پس از او در دوره ایلخانی تلاش بسیاری برای بازسازی و ساخت بناها صورت پذیرفت( رسولي،72:1386)؛- بهره‌گيري از هندسه در اين دوره مانند معماري دوره سلجوقي بسيار پيشرفته بوده است. گوناگوني طرح‌ها تنوع در طراحي ساختمان در بيرون‌زدگي و تورفتگي در کالبد نمایان است.(پيرنيا:214،1386)؛ - به علت نياز به ساخت ساختمانهاي گوناگون در زمان کم جهت بازسازی، در روند ساختمان‌سازي شتاب مي‌شد از این رو به پيمون‌بندي و بهره‌گيري از عناصر يکسان مانند کاربندي در سازه و آرايه روي آوردند(پيرنيا:214،1386)؛ - همچنين در اين شيوه ساختمانهايي با اندازه‌هاي بسيار بزرگ ساخته شد که در شيوه‌هاي پيشين مانند نداشت.(پيرنيا،214:1386).

**معماري** **گنبد سلطانیه:**کاشی بیشتر در فرم خالص آن به صورت بلوکهائی به ابعاد آجر در رنگهای آبی روشن و آبی تیره و بنفش کار شده است.(کسائی،280:1363) و این نشان از تأثیر هنر چین است؛ به نظر می‌رسد تأثیر هنر چینی در آن دورهاز نقاشی شروع شده‌است و به صورت نگارگری به تدریج در تزئینات گره‌چینی و اسلیمی بناها و رنگ‌آمیزی آنها دیده‌شده‌است.

* این بنا در نمای داخلی و خارجی حالت تظاهری دارد. آنچه در این بنا مانند بناهای دیگر اسلامی به چشم می‌خورد، حالت تمرکزی آن است که طرح هشت ضلعی آن را به وجود آورده‌است (اصغریان جدی،1363:269)؛
* مقیاس بنا بزرگ است تا به بهترین وجه نمایانگر بلندپروازیهای ایلخانیان باشد؛
* در بنا از اسکلت مهار استفاده نشده است؛
* مانند دوره سلجوقی نما و سازه با هم تلفیق شده و یکپارچه می‌باشند.(پیرنیا،224:1386)؛
* با از میان رفتن شماری از هنرمندان و معماران، اشتباهات و کاستیهایی صورت گرفت مثلاً در گزینش مکان پایتخت اشتباه صورت گرفت. الجایتو چمنزار سلطانیه را دوست داشت ، و آنجا را پایتخت خود کرد. اما جایگاه شهر کشش طبیعی نداشت و با اینکه برای آبادانی شهر، راه دسترسی آن را دگرگون کرد، اما پس از او شهر نیز از آبادانی افتاد و در زمان صفویان لشکریان در آن اتراق کردند.(پیرنیا،212:1363)؛
* معماری گنبد سلطانیه بر اساس سنت مقبره سازی پیش از مغول در ایران می‌باشد.
* شباهت ساخت گنبد سلطانیه به مقابر قبل از خود مانند نمونه ای که در شکل7-3-1و شکل7-3-2 آورده شده که مقبره سلطان سنجر مربوط به قرن ششم می‌باشد.

جدول 3- مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره ایلخانی و معماری گنبد سلطانیه

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| میل بلندپروازي در تمام امور؛ | ایجاد بنا در مقیاس باشکوه ؛ |
| کم شدن هنرمندان؛ | گزینش اشتباه مکان شهر سلطانیه؛ |
| علاقه به فرهنگ ایرانی-اسلامی(به سنت ساختمان‌سازی ایران پایبند ماندد)؛ | ساخت بنا بر اساس تکمیل اشکال پیشین ایران به طوری که مقبره گنبد سلطانیه بر اساس سنت مقبره سازی پیشین صورت گرفت و استفاده از عناصر تزئینی در نمایش مذهبی آن نیز دیده می شود.(شکل7-3-1و7-3-2 )؛ |
| وارد شدن عناصر تصويري چيني در آثار هنري ايران؛ | استفاده از رنگ آبی در طیف وسیع در بنا؛ |
| تشویق و ترغیب هنرمندان و حمایت از آنها در دوره ایلخانی؛ | گوناگونی و تنوع در طراحی، ایجاد سازه‌ای قوی که نیم قرن بدون نگهداری خاص پابرجا مانده؛ |
| شتاب در ساختمان سازی. | به پيمون‌بندي و بهره‌گيري از عناصر يکسان(مانند کاربندي در سازه و آرايه) روي آوردند. |

**نمونه چهارم(ميدان نقش جهان اصفهان):**

ميدان نقش جهان در سده يازدهم هجري قمري همزمان با حکومت سلسله صفویان يکي از بزرگترين ميدانهاي روزگار خود بوده‌، که محل بازي چوگان، رژه ارتش، چراغاني اعیاد، و نیز مکان برگزاری نمايشهاي گوناگون بوده‌است. بناهاي اطراف ميدان عبارتند از مسجد امام( در ضلع جنوبي)، مسجد شيخ لطف الله ( درضلع ضلع شرقي) عمارت عالي قاپو( در ضلع غربي) و سردر قيصريه (در ضلع شمالي).(شکل7-4-1)

**شاخصه‌هاي فرهنگی دوره صفوی**

**سیاسی-حکومتی:** احياي دوباره ايران از نظر سياسي و سرزميني؛ ايجاد حکومت متمرکز و مقتدر؛ رسمي شدن مذهب تشيع(سيوري:26،1376)؛جلوگيري از مستحيل شدن ايران در امپراتوري عثماني؛ ايجاد ارتش دائمي در زمان شاه عباس و ... .**لباس:**شاهان صفوي به اروپايي ها اعتماد چنداني نداشتند و برتري خاصي نسبت به ملل اروپايي قايل بودند. در عصر صفوي از نظر ايراني‌ها حقارت آميز بود كه لباس اروپايي بر تن كنند. حتی در پاره‌ای موارد دیده شده که اروپاییهایی پس از رفتن از ایران لباس ایرانی به تن می‌کردند.

**هنر:**صفویان علاقه وافری به هنر داشتند. هنرهای مختلفی در این دوره رونق یافت؛ از جمله هنر کتابسازی چنانکه نمونه آن شاهنامه شاه طهماسب است که 250 نقاشی مینیاتور دارد.هنر خوشنویسی نیز در کتابها مشهود است. این سلسله قالی بافی را که ریشه‌ای قدیمی در ایران دارد از یک صناعت روستایی به فعالیتی در سطح کشور ارتقاء دادند و به صورت بخشی مهم از اقتصاد کشور درآوردند. دوره صفویه نقطه اوج نساجی نیز می باشد که مانند نقاشی بعد از حمله مغول به ایران نفوذ چین را می توان در آنها دید.کوزه گری نیز صفوی از معیار بالایی برخوردار بود و خشت‌های سفالین آنها بی‌نظیر بود. مهمترین اتفاق در دوران صفویه مبادله وسیع فنون و طرحها بود که در آن دوره میان ایران و چین صورت گرفت (سيوري،139:1376)؛

-ایرانیان کهن به صورت انتزاعی و آزاد از طبیعت برداشت طرح می‌نمودند و به آن یله می‌گفتند.نگاره های یله‌ای با خط‌های بسیار ساده و هندسی کشیده می‌شدند. هنر یله‌پردازی و نگاره‌های آن به کشورهای دیگر برده‌شد و دگرگون شده آن به ایران بازگشت. مانند نقشه مانویان که به چین و ژاپن رفت و به گونه‌ای دیگر به ایران بازگشت و در زمان صفویان ویژگی ایرانی پیدا کرد.(پیرنیا،57:1386)

**معماري دوره:**

* به علت تنگي زمان و کم شدن معماران چيره‌دست کمتر به پايداري بنا توجه مي‌شده است. (پیرنیا،279:1386)؛
* نما و سازه در ساختمان بر خلاف دوره ایلخانی جداگانه ساخته‌مي‌شد. (پیرنیا،279:1386)؛
* ساخت گنبدهاي گسسته ميان تهي، حفظ نقشه‌کشي و طرح يکپارچه، قدرت طراحي ممتاز نیز از خصوصیات معماری این دوره است(پوپ ،207:1363)؛
* استفاده از آمودهاي پيشين، استفاده از کاشي خشتي هفت رنگ، معمول گشت.
* ساده شدن طرحها که در بیشتر ساختمانها، فضاها یا چهارگوش هستند یا مستطیل. (پیرنیا،279:1386).
* یکی از خصوصیات معماری صفوی که حضور اسلام در آن به اوج خود رسیده شفافیت فضا و کم کردن ماده و حضور بیشتر روح بنا است. به طور مثال در معماری شیخ لطف ا... با حظور نور در زیر سقف و شناور کردن سقف این اصل به وقوع پیوسته است.(شکل7-4-4)

**ادبیات:** علاقه و توجه سلاطین صفوی به زبان فارسی، به خصوص به غزلها و اشعار، باعث شد تا زبانهای رایج شده در کشور تحت شعاع قرار گیرد. و حتی شعاع زبان فارسی تا هند نیز گسترش یافت.

**معماري میدان نقش جهان:**

**مسجد امام:**

* از خصوصيات مهم اين مسجد حل کردن زاويه بين سردر و ايوان شمالي آن است. (شکل 7-4-2)؛
* معمار ايوان را طوري قرار اده است که مي‌توان مسجد را ديد ولي نمي‌توان مستقيم وارد آن شد. (رسولي:102،1386)، (شکل 7-4-5)؛
* از لحاظ شکل موقر، استحکام و استقرار آرام بنا در اظهار محکم و استوار روح اسلام می‌باشد. (پوپ،217:1363)؛

**مسجد شيخ لطف ا... :**

* این مسجد را شاه عباس روبروي قصر و به افتخار پدر زن روحاني‌اش ساخت. اين بنا در واقع اتاقي منفرد است و بيشتر حالت نمازخانه‌اي خصوصي دارد.
* از خصوصيات مهم آن نحوه ورود به شبستان است. چون نمازگزار معمولأ از پشت وارد مي‌شود، راهرويي پيچ‌دار ساخته شده تا از آنجا وارد گنبدخانه شوند.(شکل7-4-4)
* شکل استوار گنبدي بر روي يک اتاق چهارگوش که ميراث معماري ساساني است. دراين مسجد زيبا بار ديگر نمايان شده است.(پوپ،:217:1363)
* مسجد بر روي يک کاربندي ساده ساخته شده است. گونه‌هايی از اسليمي کم نظیر با کاشي تراش (معرق) در گنبدخانه وجود دارد.(پوپ،:217:1363)

**کاخ عالی قاپو**:

* این کاخ در اوایل سده یازدهم هجری تکمیل شد و جایگاه اداره امور کشور و دربار بوده‌است.
* ساختمان پنج طبقه دارد، که هر قسمت معماری و آرایه خودرا دارد ولی به خوبی با هم تلفیق شده تشکیل یک بنای واحد را داده است.
* طبقه سوم بزرگترین اتاق، ویژه به تخت نشستن شاه عباس بوده‌است.(پیرنیا، 306:1363)

جدول 4-مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره صفوی و معماری میدان نقش جهان

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| ایجاد حکومت متمرکز و مقتدر؛ | میدان به عنوان یکی از بزرگترین میدانهای جهان بوده است. که تقریباً 510 در 160 متر می‌باشد؛ |
| ایجاد ارتش دائمی در زمان شاه عباس؛ | میدان نقش جهان محلی برای رژه و سان ارتش(اختصاص مرکزیت پایتخت جهت رژه و سان ارتش)، که عالی‌قاپو جهت نظاره حاکم بر آن تعبیه شده‌بود؛ |
| تنگی زمان و کم شدن معماران؛ | نما و زبره(سازه) جداگانه ساخته می‌شد؛ |
| قدرت گرفتن مذهب؛ | اختصاص دادن بهترین بناها از لحاظ ساخت به بناهای مذهبی(مسجد امام و شیخ لطف ا.. در میدان) و مرکزیت مساجد در شهرها؛ |
| زنده شدن معانی عرفانی در اشعار فارسی و پرداختن به ظرائف؛ | استفاده از معانی عرفانی ایران در ساخت بناها (نمونه آن در ورودی مسجد شیخ لطف ا... و نیز آرایه های آن- ورودی مسجد امام و ...)؛ |
| تاثیر چین در برخی هنرها؛ | تاثیر نگارگری چین در نقاشی و اسلیمی‌های مساجد؛ |
| لباسها کاملاً ایرانی است. همانطور که اشاره شد نشان از خودباوری ایرانیان است. | -معماری باشکوه و استفاده از عناصر بجا در میدان نقش جهان نشان از خودباوری و اعتماد به نفس ملت ایران است. |

**نمونه پنجم(کتابخانه ملی-ساختمان جدید مجلس):**

**-شاخصه‌های سیاسی و حکومتی:**تأثير انقلاب اسلامي در شکل‌گيري هويت به شرح زير است: تأسيس حکومت بر اساس فرهنگ مذهبي\_ملي(تشيع)، - اصل ولايت فقيه؛ - استقلال کشور از ديگر قدرت‌ها؛ - حفظ تماميت ارضي در جنگ هشت ساله؛- قهرمانان و شخصيت‌هاي سياسي و نظامي؛ - پايه‌گذاري مردم‌سالاري ديني؛ - الهام‌بخشي در جهان اسلام؛ دستيابي به پيشرفت‌هاي شگرف در ابعاد مختلف و ... . (عبدي،1387:62)

**کتابخانه ملي:** اين بنا در سال 1383 افتتاح شده است.کتابخانه ملی خزانه دار و حارس میراث آثار نوشتاری، دیداری و شنیداری ملت است.و افزون بر این، گرد آورنده محصولات مجموعه تلاشهای فرهنگی، هنری، علمی و فنی کشور و قلب نظام اطلاع‌رسانی کشور ما هم هست. بنابر این می‌باید در حین حفظ میراث دیروز، نقش فعالی در شکل دادن به امروز و تغییر جامعه به سوی فردای متعالی را فراهم سازد.این بنا توسط شرکت مهندسان مشاور پیرراز طراحی شده که عوامل مهم در شکل‌دهی پروژه را به این ترتیب بیان کرده‌است:

* مهمترین ظابطه عملکردی بودن فضا است؛
* اقتصادی بودن در مرحله ساخت، بهره‌برداری؛
* جذاب بودن محیط و آرامش بخشی آن؛
* رفاقت با محیط و استفاده از عوامل محیطی؛
* هر طبقه از طبقه بالای خود نور می‌گیرد که یکی از دلایل شکل زیگوراتی بنا است؛
* شکل زیگورات ریشه در معماری پیشین ما دارد.؛
* تأمين نور از طريق نورگيرهاي سقفي و پيشاني‌ها، مشابه بازارچه‌ها و مساجد گذشته؛
* روزنهاي کوچک نما که بناهايي چون کاروانسراها، قلعه‌ها و ارگ‌ها را که به خاطر بافت فشرده شهرها زياد نيست تداعي مي‌کند؛
* ترکيب هرمي بنا يادآور باغ‌هاي کوهپايه‌اي است که با هماهنگي با محيط تپه‌اي خود توانسته به صورت يکپارچه با طبيعت باشد.(رئیسی،18:1382)

**ساختمان مجلس:** ساختمان جديد مجلس شوراي اسلامي در مجموعه تاريخي بهارستان كه يادمان و جلوهاي از انقلاب مشروطيت تا انقلاب اسلامي در اذهان مردم است و ريشه اي يكصدساله دارد، ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی با معماری شرکت مهندسان مشاور پل میر و با طراحی و مدیریت عبدالرضا ذکایی و گروه طراحی علی سردار افخمی‌، عباس قریب‌، مسعود قاضی زاهدی‌، منصور وکیلی‌، داریوش فیروزلی و بهروز احمدی واقع شده است و يكي از ساختمانهاي متعدد اين مجموعه است . فرم این ساختمان به صورت هرمی در نظر گرفته شده است. طراحان شاخصهای شکل‌گیری طرح را این طور بیان می‌دارند:

* هرم به عنوان فرم منتخب حجم پایداری دارد؛
* تداعی کننده سه قوه است؛
* هندسه قابل بسطی دارد؛
* راس مثلث روي ساختمان مرتفع ‌اداري قرار مي‌گيرد و هرچه به طرف ساختمان كميسيون‌ها مي‌آييم دوبال آن باز مي‌شود؛
* ارتفاع در سمت ساختمان اداري حداقل است و هر چه به ساختمان كميسيون‌ها نزديك مي‌شويم، زياد مي‌شود؛
* به دليل نحوه ارتفاع‌گيري آن، برخلاف دو ساختمان شمالي وجنوبي در مقابل ديگر ساختمانها قرار نگرفته است؛
* رعایت تناسبات بناهای اطراف در طراحی؛
* وجود ستون اصلی بمانند تیرک چادر که پایداری ساختمان به پایداری آن وابسته است.(رئیسی،1388)

**ادبیات:** انقلاب اسلامي و پس از آن هشت سال نبرد در ميادين جنگ بر ادبيات ايران تأثير جدي داشت، تا آن جا كه غالب تمايلات ادبي پيشين را بي‌رنگ كرد. اما ادبيات ايران، در حال حاضر به سوي ادبياتي بي چالش پيش مي رود و كوشش بسياري از نويسندگان و شاعران جوان، اين بوده كه خود را در درون جنبشی جهانی جای دهند، ادبیات برخلاف دهه‌هاي گذشته، رو به بازي‌هاي زباني دارد و بي معنايي يا معناگريزي صفت بارز آن است.

**معماري:** مهاجرت گسترده روستائيان به شهرها که پس از اصلاحات ارضي شروع شده و با افزايش درآمدهاي نفتي سرعت گرفته‌بود، منجر به ساخت و ساز بدون تبعيت از الگويي مناسب شد. - جنگ تحميلي و تحريم اقتصادي باعث عدم تداوم جريان معماري گشت- همزمان جريان جهاني، پست مدرنيسم معماران را به سوي التقاط‌گرايي کشاند. - و تقلید بی پایه از گذشتگان در این سبک معماری را سردرگم کرد تا آنجا که بناهای کنونی خالی از هویت ملی است، این ساختمانها هر جای دیگری غیر از ایران نیز می‌تواند باشد. به طور کلي در يک نگاه، اين دوره در تاريخ معماري معاصر ايران، فاقد تعداد آثار شاخص بوده و گفتمان نظري معماري نيز از دايره محافل نيمه رسمي حرفه اي و دانشگاهي فراتر نمي‌رود .

**معماری ساختمان مجلس:**

* فرم انتخاب شده با سایت تاریخی و بسیار ارزشمند خود بر قرار نمی‌کند؛
* بلند بودن جایگاه رئیس مجلس از اطراف خود با تفکر دموکراسی تناقض دارد؛
* حجم سنگین آن یاد آور معماری باستان مصر است؛
* استفاده ابیش از حد از سنگ با عث به وجود آمدن روحیه خشن و سنگین شده است؛
* معماری و سازه بنا هماهنگ و یکپارچه است؛
* از طرفی تمام استحکام بنا بر یک نقطه استوار است در حالی که در سیستمهای دیگر اینگونه نیست.
* ساختمان جدید دارای سیستم هوشمند BMS گرمایشی و سرمایشی است‌. برای تهویه مطبوع نیز از روش جت فیوز استفاده شده است‌؛ زیرا هوا باید تا فاصله ۳۰ متری پرتاب شود تا به وسط سالن برسد.
    طراحی داخلی بنا مبتنی بر معماری ایرانی است .سقف‌ها گچ کاری با دست است و در آن از مقرنس کاری البته به صورت مدرن استفاده شده است‌. در این ساختمان‌ دو اتاق ترجمه هم زمان وجود دارد.

**معماری کتابخانه ملی:**

در حالی که نماي بيروني که به پيروي از مد رايج در دهه هاي 60و70 اروپا، طبقاتي نامنطبق بر يکديگر را با خطي پيراموني به شکل چند وجهي‌هايي نامنتظم به وجود مي‌آورند. ياد آور مراکز بزرگ خريد، هتل‌ها يا حتي مجتمع‌هاي مسکوني 20 يا 30 سال قبل است.

مسائل ايستايي ساختمان بيشتر به يک پارکينگ چند طبقه شباهت پيدا کرده است.(افشار نادري: 1385)

 در واقع می‌توان گفت که الهامات طراحان از انواع بناهادر هر اقلیمی و کارکردی نشان از التقاط فکری معماری است.

عدم مؤثر بودن طرح در سیمای شهری و مدفون شدن بصری آن.

البته با رجوع به سبک پست مدرنیستی بنا توانسته مقیاس انسانی را در تمام بنا حفظ نماید.

حیاطهای مرکزی متعدد توانسته حس حرکت در بافت سنتی را فراهم سازد.

از طرفی استفاده از فضای داخلی بتنی باعث سرد شدن حسی شده‌ که مانند فضاهای مدرن است.

عدم قابلیت طرح در نشانه شدن نیز در این بنا به عنوان کتابخانه ملی دیده می‌شود. .(رئیسی،18:1382)

جدول5-مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره انقلاب اسلامی و معماری کتابخانه ملی

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| تأسيس حکومت بر اساس فرهنگ مذهبي\_ملي؛ | در این بنا عناصر شمرده شده جهت ملی ساختن بنا در نمای بیرونی بدون تفهیم طراح از سمت بیننده درک نمی‌شود. (شکل7-5-3-1)در طراحی داخلی نیز این عناصر به صورت پراکنده و عدم وجود وحدت می‌باشد؛ |
| استقلال کشور از ديگر قدرت‌ها؛ | در حوزه معماری منجر به ایجاد هویت ملی می‌شود. در این بنا سعی این امر گشته که نهایتاً همانطور که طراح توضیح داده از بناهای مختلف ایرانی به صورت التقاطی الهام گرفته و نهایتا همانطر که گفته شد( در نقد آقای افشار نادری) نمای خارجی آن یاد آور ساختمانهای دهه 60 و 70اروپا را می‌کند؛ |
| ساخت و ساز بدون تبعيت از الگويي مناسب؛ | طراح به بناهای مختلف ایرانی و سبک پست مدرنیسم رجوع کرده است. اما در مقایسه این بنا با ساختمان جدید مجلس که همزمان با این بنا ساخته شده و به سبک معماری مدرن است استفاده از سبکهای مختلف را تاحدودی در ساختمان نمایان می‌سازد؛ |
| التقاط گرایی ؛ | التقاط گرایی در استفاده از سبکهای مختلف معماری- التقاط گرایی در الهامات سنتی؛ |
| ادبیات بی چالش و معناگریز؛ | معنایی که طراح جهت طرح بیان نموده رجوع به معماری گذشته‌است؛ |
| لباسهای مردم ایرانی برگرفته از لباسهای غربی و کاملاً منطبق با آنهاست تنها. پوشش زنها در ایران بر اساس قانون و جدا از پوشش غربی است؛ | تقلید بدون زمینه، حداقل در نوع تفکر پست مدرنیستی بنا مشهود است. |
| اعیاد ایرانی در حال حاضر اعیاد مذهبی-کمتر ملی-وگه گاه غربی مانند تولد و ولنتاین و ... است. | در بنای کتابخانه ملی عناصر مذهبی-ملی-غربی کنار هم جمع آمده‌اند. |

جدول6- مقایسه شاخصهای فرهنگ دوره انقلاب اسلامی و معماری ساختمان جدید مجلس

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ دوره | تاثیرات معماری |
| تأسيس حکومت بر اساس فرهنگ مذهبي\_ملي؛ | عناصر ملی و مذهبی در این بنا به عنوان بنای مجلس که بنایی ایرانی است دیده نمی شود؛ |
| استقلال کشور از ديگر قدرت‌ها؛ | فرم بنا در ابتدا یاد آور اهرام مصر است تا چغازنبیل که ایرانی است و داخل بنا نیز عناصر بیانگر هویت ملی نیست؛ از طرفی حتی چغازنبیل نیز متعلق به اعصار کهن ایران است و تفکر امروز ایران را بیان نمی‌کند؛ |
| پايه‌گذاري مردم‌سالاري ديني؛ | اختصاص سقف بلند به رئیس مجلس با تفکر دموکراسی حاکم متناقض است؛ |
| ساخت و ساز بدون تبعيت از الگويي مناسب؛ | بنا ارتباطي با سايت تاريخي و بسيار ارزشمند خود برقرار نمي‌كند؛ از طرفی این بنا و کتابخانه ملی که در یک زمان ساخته شده‌اند دارای دو تفکر غربی با فاصله زمانی‌اند.(مدرنیسم و پست مدرنیسم)؛ |
| ادبیات بی چالش و معناگریز؛ | معماری این بنا به نظر می‌آید بیشتر در جهت خود نمایی پیش رفته و هدف معنا گرایی را از دست داده‌است؛ |
| لباسهای مردم ایرانی برگرفته از لباسهای غربی و کاملاً منطبق با آنهاست تنها پوشش زنها در ایران بر اساس قانون و جدا از پوشش غربی است؛ | استفاده از سبک مدرنیسم و انتخاب فرم هرم که برگرفته از اهرام مصر در بنا است ؛ |
| اعیاد ایرانی در حال حاضر اعیاد مذهبی-کمتر ملی-وگه گاه غربی مانند تولد و ولنتاین و ... است. | در حالی که تصمیم‌گیری‌های قانونی بر اساس مذهب است در این بنا معنایی از آ دیده‌نشده.همچنین عناصر ملی در این خانه ملت تنها در تزئینات آورده شده است. درحالی که نوع برخورد با محیطی که خاطره ملت ایران است در بهارستان و نیزانتخاب فرم بنا بیشتر از معماری مدرنیسم تقلید گشته‌است. |

بدون در نظر گرفتن خصوصیات هر بنا مقایسه این بنا و ساختمان جدید مجلس نمایانگر این مهم است که این دو ساختمان دارای تفاوتهای بسیاری در سبکهای به کار رفته و اهداف ارتباط با استفاده کنندگا ن و محیط پیرامونی هستند. و اندیشه های فرهنگی حاکم بر کشور التقاطی است از قرن بیستم غرب که شامل روند ثابتی نمی‌باشد و هر زمان ممکن است اندیشه اول قرن بیستم در این تارخ در کشور ما بروز نماید. که نمایانگر عدم پایه های فرهنگی و فلسفی این نوع تفکر در جامعه و منش آن است. اینکه نمای ساختمان کتابخانه ملی یادآور ساختمانهای دهه 60 و 70 اروپا است و ساختمان مجلس هیچ فضای آشنایی را برای ایرانیان تداعی نمی‌کند. نمایانگر اعمال سلیقه های شخصی معماران بدون در نظر گرفتن زندگی ایرانی است.

**نتيجه‌گيري و پيشنهادات:**

هر انساني داراي آداب و رسوم و منش متفاوت زندگي است و بر اساس آن ارتباطات خود را با محيط، انسانهاي ديگر، و خدا برقرار مي‌کند. از اين نوشتار برمي‌آيد که معماري ايران زمين بيش از آنکه بر عناصر هويت‌ساز کالبدي بنا شده‌باشد بر شيوه زندگي برپا شده‌بود. معماري هميشه و همه جا هنري وابسته به زندگي بوده و در ايران ما بيش از هر جاي ديگر. چنانکه آرايش معماري هماره به دست زندگي بوده و در هر زمان، برنامه‌ معماري را پي ریزی کرده است. بنابراين مباني معماري ايراني اصول منش ايراني نيز مي باشد و اصول تمام هنرهاي ايران زمين. و با ترويج اين اصول و آراسته شدن معماران به آن اثري که آفريده مي‌شود نيز شامل اين صفات خواهد بود. هنرمند سنتي صورت ظاهر هنر را در پرتو الهامي مي‌آفريند که از جانب روح دريافت کرده است. و اين روح چيزي جز حقيقت را القاء نمي‌کند. و حقيقت در هر سويي به شيوه‌اي جلوه مي‌کند. وظيفه ما کشف جلوه آن حقيقت در ايران است.

اشتباه اين است که در شناسايي معماري و نحوه سبک شناسي‌هاي هنر در هر دوره آنچه بيش از همه بررسي و شناسايي مي‌شود ظواهر کالبدي است و عوامل تأثیرگذار در آن مهجور مانده‌اند. در نتيجه استفاده از عناصر هنري دوره‌هاي پيشين به صورت تقليدي و نوستالژيک گونه جهت تولید معماری ملی، بدون داشتن زمينه آن بيش از پيش ما را دچار گمگشتگي و دور شدن از عصر خود خواهد کرد.

از طرفي با ورود به عصر ارتباطات و تبادلات فرهنگي، کشورهاي قدرتمند از لحاظ اقتصادي، تأثيرات قابل توجهي بر ديگر کشورها دارند. در اين ميان جهان در حال توسعه توان رقابت با کشورهاي پيشرفته صنعتي را ندارد. علاوه بر اين دولت‌ها و حکومت‌ها نيز امکان جلوگيري از ورود محصولات پيشرفته و جديد، همچنين قطع ارتباط کشورشان با شبکه ارتباطات جهاني را ندارند. بر اين اساس سيل محصولات و فرهنگ نهفته در آنها همچنان مرزهاي جغرافيايي را پشت سر گذاشته و وارد محدوده فرهنگ‌ها و جوامع سنتي مي‌گردند.(ندائي فرد،احمد، ص 97) اين يک واقعيت است که معماران و عوامل فرهنگي هر جامعه مانند گذشته ديگر تنها بر عناصر فرهنگي جامعه خود تکيه نمي‌کنند. ليکن همان طور که پيش از اين نيز گفته شد فرهنگ ايران فرهنگي پويا بوده که در گفتگو با ديگر فرهنگها رشد مي‌کرده است ولي پس از بسته شدن راه‌هاي ارتباط بازرگاني، مراودات فرهنگي نيز بسته شده است. با توجه به پيشينه توليد فرهنگ در ايران شايد دنياي ارتباطات فرصت مناسبي باشد تا باز هم ايران محل ذوب فرهنگهاي گوناگون و توليد فرهنگ ايران از آن خميرمايه باشد. البته بايد توجه داشت که قدرت هاضمه موج عظيم ورود فرهنگهاي بيگانه در ايرانيان دوباره زنده شود و حتي قوي‌تر از گذشته باشد تا بتواند از اين زمينه به عنوان يک فرصت استفاده کند؛ نه تهديد. به نظر مي آيد براي فراهم سازي اين قدرت بايد به درستي مباني فرهنگي ايراني را شناخت و ترويج داد.

بنابراين معماري کنوني دستمايه فرهنگ جامعه عصر حاضر است و بايد بستر فرهنگ غني و پربار ايراني، در جامعه ترويج گردد و هنرمندان به آن آراسته باشند تا خميرمايه هنر ايراني روح ايراني باشد.

**فهرست مطالب**

-ابن خلدون، عبدالرحمن(1359 )؛ مقدمه تاريخ ابن خلدون؛ ترجمه پروين گنابادي، محمد؛تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.

-افشاري نادري،افسر(1386)؛جهاني شدن و نياز به مهندسي فرهنگ،شماره 10و11، تير و مرداد؛ ماه‌نامه مهندسي فرهنگ

-احمدلو،حبيب،(1381)؛بررسي رابطه ميزان هويت ملي و قومي در بين جوانان تبريز، پايان نامه کارشناسي ارشد، تهران:دانشگاه تربيت مدرس دانشکده علوم انساني.

-پيرنيا، محمدکريم(1386)؛سبک‌شناسي معماري ايراني؛ تهران: سروش دانش.

-تاملينسون،جان(1381)؛جهاني شدن و فرهنگ، تهران: دفتر پژوهشهاي فرهنگي.

-ثلاثي،محسن(1379)،جهان ايراني و ايران جهاني؛تهران: نشر مرکز.

-حسيني، محمد باقر (2004)"معماري هويت"، در پايگاه اطلاع رساني آينده نگر،<Mar12،<www.ayande

-صالحي، عمران(1387)؛ ابراهيم؛ بررسي ميزان توجه به مولفه هاي هويت ملي در کتابهاي درسي دوره راهنمايي؛تهران: مطالعات ملي شماره 3.

-گيدنز،آنتوني(1377)؛ پيامدهاي مدرنيت؛ ترجمه محمد ثلاثي؛ تهران: نشر مرکز.

-قرايي، فريبا(1385)؛ هويت تابعي از کالبد يا کالبد تابعي از هويت، تهران:ماهنامه راه و ساختمان؛شماه 35.

-عبدي،عطاءاله(1387)؛ جايگاه هويت ملي در کتب درسي آموزش و پرورش؛ فصلنامه مطالعات ملي شماره 3.

-مددپور،محمد(1375)؛ حکمت معنوي و ساحت هنر؛دفتر مطالعات ديني هنر؛تهران: 1375.

-مهدوي نژاد، محمدجواد(1383)؛ حکمت معماري اسلامي جستجو در ژرف ساخت‌هاي معنوي معماري اسلامي ايران؛تهران: نشريه علمي-پژوهشي هنرهاي زيبا،شماره19 .

-معين، محمد(1384)؛فرهنگ فارسي،ج4، تهران: اميرکبير.

-ندائي فر،احمد(1386)؛هويت فرهنگي و نقش آن در طراحي محصولات فرهنگي؛شماره 30.

-نقي زاده، محمد(1381)؛تاثير معماري و شهر بر ارزش هاي فرهنگي؛هنرهاي زيبا.

- نقي‌زاده، محمد(1379)؛رابطه هويت« سنت معماري ايران» با «مدرنيسم» و «نوگرايي» ؛مجله هنرهاي زيبا شماره 7.

طاووسي،محمود(1385)؛تناسبات انساني در هنر هخامنشي؛مجله هرهاي زيبا شماره28.

-ادیب،آریا(1388)؛ریشه‌های تاریخی اصطلاحات و ضرب‌المثلهای فارسی

-اصغریان جدی،احمد(1363)؛گنبد سلطانیه؛ معماری ایران،گرد آورنده آسیه جوادی؛ ناشر انتشارات مجرد.

-کسائی، رضا(1363)؛بررسی گنبد سلطانیه، معماری ایران،گرد آورنده آسیه جوادی؛ ناشر انتشارات مجرد.

-سایت تحلیلی-خبری عصر ایران

-عیسی، بهنام(1346) "گنجينه‌هاي مكشوف در پازيريك".ماهنامه هنر و مردم دوره 6، شماره 63 .

**- کنستانتين، اينوسترانتسف(1351) ؛ تحقيقاتي در باره ي ساسانيان ؛ ترجمه ي کاظم کاظم زاده ؛ تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب.**

مختاري **، محمد ؛ حماسه در رمز و راز ملي ؛ تهران : نشر قطره ، 1368 ، ص 58و59 .**

**-کسائی،رضا(1363)؛معماری ایران؛تهران:مجرد.ّ**

**-مجتهدزاده،پیروز(1386)؛دموکراسی و هویت ایرانی؛تهران:کویر.**

**-مرادی غیاث آبادی، رضا(1380)؛منشور کوروش هخامنشی؛شیراز:نوید شیراز.**

**-کریستین‌سن،آرتور(1376)؛ایران در زمان ساسانیان؛ترجمه حسن رضائی باغ بیدی؛تهران:صدای معاصر.**

**-سیوری،راجر(1376)؛ایران عصر صفوی؛ترجمه کامبیز عزیزی؛تهران:نشر مرکز.**

- مختاري ، محمد(1368) ؛ حماسه در رمز و راز ملي ؛ تهران : نشر قطره .

-لنگ،جان(1383)؛آفرینش نظریه معماری؛ترجمه علیرضا عینی فر؛تهران:دانشگاه تهران.

-خدایار،ابراهیم،هویت لی در کتابهای درسی آموزش و پرورش؛ فصلنامه مطالعات ملي شماره 3.

- پوپ، آرتور اپهام(1363)؛ معماری ایران؛ ترجمه غلامحسین صدری افشار؛ تهران:اختران.

-رئیسی،ایمان(1388)؛هرمي با قاعده ديروز؛

http://sajjadnazi.blogfa.com

-رئیسی، ایمان(1382)؛نقد معماری ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران؛ ماهنامه بین‌المللی ساختمان؛شماره 31؛ بهمن ماه 1382؛ص 18.

1. ‎Le Corbusier ‏ [↑](#footnote-ref-1)
2. feudalism [↑](#footnote-ref-2)
3. democracy [↑](#footnote-ref-3)
4. secularism [↑](#footnote-ref-4)
5. strategic [↑](#footnote-ref-5)
6. 2 اوزاهاريس نيتي متذكر است كه: «به اراده شاهنشاه رفتار كردم، به كتابخانه‌ها كتاب دادم و جوانان را در آنها داخل كردم و آنها را به مردان آزموده سپردم» [↑](#endnote-ref-1)